

افراطی از تندروهای اقلیت در کشور و کیی‌برداری تندرو اقلیت از نمایندگان افراطی خط پایانی ندارد و قرار نیست نمایندگان و تندروها با دولت و خواست اکثریت کنار بیایند.

❖ واکنش نمایندگان در فضای مجازی

یکی از نمایندگانی که این نامه را امضا کرده بود، در صفحه شخصی ایکس خود با متهم کردن قالیباف نوشت: «با تعطیلی مجلس انتقادات زیادی متوجه رئیس مجلس شد. با توجه به برنامه قبلی تعمدی دانستن تعطیلی منصفانه نیست. اکنون مطابق تبصره ماده ۸۴ آیین‌نامه داخلی، بیش از ۶۰ نماینده برای اطلاع از مفاد توافق با آژانس و شنیدن توضیحات آقای عراقچی و لاریجانی درخواست جلسه فوق‌العاده کرده‌اند. منظر تصمیم آقای قالیباف هستیم.»



محمدرضا صباغیان، عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها نیز در واکنش به جلسه عراقچی و گروسی گفت: «آقای پزشکیان هم چوب خوردیم و هم پیاز؛ وزیر امور خارجه رفت مصر با کسی که نماینده غرب، جاسوس و

هموارکننده راه حمله به ایران و بنا بود تهیه‌اش کنیم توافق کرد، به خاطر تصمیمات ما مردم هم چوب خوردند و هم پیاز؛ امیدواریم حرف‌های عراقچی مثل توجیهات بعد از برجام نشود.»

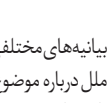


سیدمحمود نوبیان، دیگر نماینده تندروی تهران در مجلس نیز در صفحه ایکس خود نوشت: «توافق آقای عراقچی با گروسی جاسوس و منحوس که مسبب شهادت صدها تن از فرماندهان، دانشمندان و هموطنان ما بوده، به‌هیچ‌وجه مورد قبول نیست و نقض صریح واقع‌ملت و استکفاف از قانون مجلس بوده و حکم آن روشن است. این توافق یعنی دستیابی دشمن به اطلاعات مراکز هسته‌ای و زمینه‌ساز جنگ بعدی است.»



روح‌الله متفکر آزاد، عضو هیئت رئیسه مجلس و یکی از امضاکنندگان این نامه در حساب کاربری ایکس خود نوشت: «همراه تعدادی از همکارانم، درخواست تشکیل جلسه فوق‌العاده صحن با حضور آقایان لاریجانی و عراقچی را به ریاست مجلس دادیم تا در فضایی سازنده، گزارش توافقی اخیر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به نمایندگان مردم ارائه و انطباق آن با قانون مجلس بررسی گردد. مجلس از خطوط قرمز کوتاه نمی‌آید!»

❖ توافق با مصوبه شعام انجام شده



بیانیه‌های مختلفی در مجمع عمومی، شورای امنیت و شورای حقوق بشر سازمان ملل درباره موضوع فلسطین صادر شده است. اما در روابط و سیاست بین‌الملل باید به این موضوع نگاه کنیم که عرصه عمل چه وضعیتی دارد. چه چیزی به نفع مردم فلسطین و چه چیزی به ضرر آن‌ها است. آن‌ها حدود ۹۰ سال است که در چنین وضعیتی هستند. در عمل آنچه می‌بینیم، این است که قطعه‌نامه‌ای صادر شده و با اکثریت نزدیک به دوسوم آرا به تصویب رسیده و مخالفان اندکی دارد. اتفاقاً مخالف اصلی آن هم اسرائیل است. طبیعتاً اسرائیل چیزی که به نفع مردم فلسطین باشد را نمی‌پسندد. به نظر جامعه بین‌الملل حرکت خوبی انجام داد که تا آستانه اجلاس مجمع عمومی این اقدام را پیش ببرد. این که دولت مستقل فلسطینی به رسمیت شناخته‌و از حقوق کامل یک دولت بهره‌مند شود، اسرائیل را با چالش مواجه خواهد کرد. اگر نوار غزه نیز تحت سيطرة یا تحت قلمرو تشکیلات خودگردان باشد، دست اسرائیل از اساس بسته خواهد بود و یک نیروی متجاوز به دولتی دیگر محسوب می‌شود. در نهایت این موضوع به نفع مردم فلسطین است.» او در پاسخ به این سوال که آیا اقدام ایران مثبت تلقی می‌شود یا نه؟ گفت: «آنچه ایران انجام داد، حرکتی معکوس در راستای حقوق مردم فلسطین بود. شعارها و خواسته‌هایی که در بیانیه‌نمایندگی ذکر شده، خوب هستند. اما اینکه آیا آرزوهای مذکور به مردم فلسطین کمک یا رسیدن آن‌ها به حاکمیت ملی را تسریع می‌کند، به نظر می‌رسد که این گونه نیست. موضع ایران همه‌پرسی است که سال‌ها پیش مطرح شده و بر اساس عدالت است. با این شرایط، چنین اقدامی طرف یک قرن آینده هم اتفاق نمی‌افتد. حدود سه دهه از این پیشنهاد ایران می‌گذرد و هر روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. به راه حل تشکیل دولت هم آسیب می‌زند. آنچه می‌توانست ملموس باشد، یک دولت مستقل فلسطینی بود. اسرائیل الان وجود دارد، عضو سازمان ملل است و از همه امکانات یک دولت بهره می‌برد. حتی با کشورهای اسلامی منطقه. از جمله قطر که اخیراً به آن حمله کرد- مراده و ارتباطات تجاری و تاحدی سیاسی دارد.»

❖ ایران می‌توانست موضع خود را هم اعلام کند

آنچه ایران دارد انجام می‌دهد، اقدامی یکسویه است که برای مردم فلسطین نتیجه عملی ندارد. چیزی نیست که به صورت بالفعل در اختیار مردم فلسطین قرار بگیرد. ایران به نظر من با این غیبت، فشاری که می‌توانست با رای مثبت به قطعنامه بر اسرائیل وارد کند را از دست داد. با آن حقی که می‌توانست برای تشکیل دولت فلسطین مدنظر قرار دهد را تقویت نکرد. در حالی که می‌توانست رای مثبت بدهد و بیانیه خود را هم قرائت و اعلام موضع کند. این‌ها منافاتی با یکدیگر نداشتند. وقتی این موضوع از سوی عربستان و فرانسه مطرح شد و کشورهای موضوع به رسمیت شناختن فلسطین را طرح کردند، به این موضوع پرداختم که ایران باید به رازی‌نی‌افرانسه و عربستان بپردازد. با این محورها همکاری بکنند. چون به نفع مردم فلسطین است و ایران می‌تواند نقش مثبت و سازنده خود را به عنوان کشوری که از راه‌های دیپلماتیک و چندجانبه برای کمک به مردم فلسطین استفاده می‌کند، ایفا کند. نه راه‌هایی که موجب مزاحمت برای مردم ایران باشد. ایران می‌توانست بانی این قطعنامه باشد و حتی اگر نبود، با بانیان آن

مغایرت نداشته است؟ بعضی از نمایندگان دغدغه این را داشتند که وزارت امور خارجه سر خود پای میز این توافق ننشسته است و شورای عالی امنیت ملی مصوبه‌ای نداشته و چند نفر از سوی شورای عالی امنیت ملی این توافق را انجام داده‌اند.»

او افزود: «اما با توضیحاتی که آقای عراقچی داد این موضوعات حل شد. ایشان گفت که با تاییدیه مستقیم شعام بوده و توافقاتی که انجام شده در چارچوب منافع ملی بوده و نسبتاً توافق خوبی برای کشور انجام شده است. آقای عراقچی اعلام کرد که این توافق با مصوبه شعام صورت گرفته است. تمام مصوبات شعام که به وزارت امور خارجه و دولت اعلام می‌شود معمولاً مورد تایید است.»

شهریاری در پاسخ به این سوال که چرا با وجود اصرار برخی از نمایندگان آقای لاریجانی در این نشست حضور نداشت؟ تاکید کرد: «تعدادی از نمایندگان درخواست کردند که جلسه مجلس در صحن با حضور آقایان لاریجانی و عراقچی برگزار شود. آن درخواست عده‌ای از نمایندگان بوده و به این معنا نیست که حتماً آقای لاریجانی در این جلسه حضور داشته باشد. جلسه مجلس تشکیل نشد و توضیحات در جلسه کمیسیون ارائه شد.»

نماینده بجنورد در پاسخ به این سوال که نمایندگان از توضیح آقای عراقچی قانع شدند؟ گفت: «به نظر من غیر از یکی دونفر (که حدود ۷۰-۸۰ درصد قانع شدند) بقیه نمایندگان قانع شدند.»

او در پاسخ به این سوال که توافق آقای عراقچی و آژانس در باره چه موضوعاتی بوده است؟ تاکید کرد: «در رابطه با روش‌های همکاری با آژانس بوده است. یکی از شروط توقف استپک همکاری با آژانس بود. فوری‌ترین آن درباره تعویض سوخت نیروگاه اتمی بوشهر است و بازرسی‌های معمولی که در رابطه با راکتور تهران انجام می‌شد. ایران همکاری‌های خود را با آژانس داشته است. اما در برخی مسائل که قرار باشد آژانس بازرسی انجام دهد، باید با تصویب شورای عالی امنیت ملی انجام شود. یعنی قبل از آنکه بازرسان به ایران بیایند توافقاتی انجام می‌شود که بازرسی در رابطه با چه موضوعی است، بازرسی‌های معمول که انجام می‌شود اما برای بازرسی از مناطق خاص باشد، شورای عالی امنیت ملی باید مجوز صادر کند.»

شهریاری در واکنش به این موضوع که برخی از نمایندگان مجلس اعلام کردند اگر گروسی وارد کشور شد باید بازداشت شود، گفت: «این افراد با حقوق بین‌الملل آشنایی ندارند. مگر می‌شود رئیس یک آژانس بین‌المللی به کشوری دعوت و بازداشت شود؟ متأسفانه این اظهارنظرهای غیرکارشناسی مورد سوءاستفاده مخالفان کشور قرار می‌گیرد.»

❖ اظهارات عراقچی در باره جلسه دیشب در مجلس

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه نیز پس از پایان این نشست تاکید کرد: «امروز بحث بسیار مبسوطی در خصوص توافق اخیر بین ایران و آژانس داشتیم. نمایندگان سوالات و دغدغه‌هایی داشتند که ناشی از حق نظارتی است که باید انجام دهند و ما هم وظیفه داریم که پاسخگو باشیم.» او افزود: «در نشست امروز برخی دغدغه‌ها مطرح و درباره اینکه چگونه ادامه مسیر بهتر طی شود و ترفندهای دشمنان در حوزه‌های سیاسی و بین‌المللی علیه ما و مردم خنثی و منافع کشور تأمین شود، همفکری صورت گرفت.»



همکاری کند. این طنز روزگار است که ایران در چنین جلسه مهمی غیبت کند. در شأن ایران نیست که به دیپلماسی WC و بیابورد و کنار کشورهای ضعیف قرار بگیرد. «ذاکریان تاکید کرد: «کشورهایی موقع رای‌گیری در مجمع به سرویس بهداشتی می‌روند که نمی‌خواهند مورد مذمت یا مجازات یکی از طرف‌های دعوا قرار بگیرند. نام کشورهایی که در این رای‌گیری شرکت نکردند را نگاه کنید. قرار گرفتن ایران کنار این کشورها باعث تأسف است. مثلاً کوه‌هایی که در این مورد، نمی‌خواهند تحت فشار لابی اسرائیل در آمریکا یا فشارهای اقتصادی قرار بگیرند. یا اینکه به هر دو طرف بگویند ما علیه شما اقدامی انجام ندادیم.»

❖ ایران همه‌پرسی فلسطین را در سازمان ملل مطرح کند

این استاد دانشگاه درباره طرح ایران برای حل مسئله فلسطین گفت: «ایران طرح رف‌راندوم عمومی را مطرح می‌کند. این همه‌پرسی را به رای بگذارند. اگر رای ندارد که نمی‌شود این کار را برای مردم فلسطین کرد و منافع ملی خود را هم به خطر انداخت. وقتی چنین طرحی پنج یا ۱۰ رای داشته باشد، نشان می‌دهد که منزوی شده‌ای و منافع ملی در حال آسیب دیدن است. این‌ها مسائل پیچیده‌ای نیست. متأسفانه شاهد این هستیم که دولت آقای پزشکیان در کنار تمام ناترازی‌هایی که با آن روبه‌روست، حتی در سیاست خارجی هم ناترازی دارد. برای رفع این ناترازی نیازی به ساختن نیروگاه نیست. نیاز آن بهره‌مند بودن از تخصص و بینش صحیح از مسائل بین‌المللی است. مسائلی مانند غنی‌سازی، مذاکرات هسته‌ای یا مسائل حقوق بشر پیچیده هستند. اما ساده‌ترین چیز این است که از زبانی داشته باشیم آن قطعه‌نامه به نفع مردم فلسطین یا ضرر آن‌ها است. آنچه رخ داد نشان می‌دهد که ارزیابی‌شان نادرست است. چون نزدیک به دوسوم کشورهای رای مثبت دادند و ایران آنقدر نظرش ضعیف است که از دیپلماسی سرویس بهداشتی استفاده کرد. این قطعنامه مناسب نبود؟» او ادامه داد: «شاه با اسرائیل کار می‌کرد، تبادلات امنیتی و اقتصادی داشت و دو طرف سفارت‌شان به صورت دوفاکتوره‌اندازی کرده بودند. اما سال ۱۹۷۵ دولت وقت ایران به قطعنامه صهیونیسم برابر نژادپرستی در سازمان ملل رای داد. این سیاست خارجی فعال است، چرا که می‌داند فشار افکار عمومی در جامعه بین‌الملل علیه اسرائیل بالاست و باید به این موضوع رای مثبت بدهد. همان اقدامی که امروز کشورهایی مانند ترکیه، امارات و عمان هم انجام می‌دهند. اما ایران در چنین جایی که در حال مخاصمه با اسرائیل است، کشور مورد حمله قرار گرفته، افسران، ژنرال‌ها و دانشمندهایش را هدف گرفتند، به قطعنامه‌ای که اسرائیل با آن مشکل دارد رای نمی‌دهد. درحالی که اگر دولت مستقل فلسطینی به وجود بیاید، منجر به تضعیف اسرائیل می‌شود. در رای‌گیری چنین قطعنامه‌ای باید غایب باشیم؟ گویا تصمیم‌ها گرفته می‌شود و بعد می‌گویند مطابق منافع ملی است. به ما بگویند این تصمیمات چه کمکی به ما کرده است؟ این عدم حضور چه کمکی به قدرت‌مند شدن ما کرد؟ آن هم در زمانی که ۱۴۲ کشور رای مثبت دادند و دولت ترامپ هم در حال ایجاد محدودیت برای حضور نمایندگان تشکیلات خودگردان در مجمع عمومی است. ایران باید در چنین شرایطی موضعی همراه با جامعه بین‌الملل داشته باشد. دولت آقای پزشکیان قرار بود دولت کارشناسان باشد. در چنین موضوعی حرف کدام کارشناس‌ها را گوش داند؟»



احمد عربانی

راه حل کمبود آب از مجاری دانشگاه‌ها!



نگاه اصلاح طلب

ضرورت‌های انسجام ملی

گذشته است. در طول این مدت از وفاق ملی معانی مختلفی بیان می‌شود ولی مهم‌ترین تعریف را باید «هم‌مسئلگی» دانست. وفاق بر سر مسائل مختلف ضروری است که بدون آن انسجام ملی شکل نمی‌گیرد. جریان‌های مختلف سیاسی، دیدگاه‌های مختلف دارند و در بسیاری موارد، یکدیگر را قبول ندارند ولی برای مسئله بودن می‌توانند بر سر مسائل مشترک توافق کنند. ایران و جمهوری اسلامی می‌تواند دو مسئله باشد که همه جریان‌های سیاسی موجود امکان اشتراک بر آن را دارند.

ضرورت چهارم: عقلانیت سیاسی. تحلیل عقلانی امور سیاسی موجب شکل‌گیری تصمیم‌گیری‌های صحیح و مدیریت و سیاستگذاری‌های عقلانی می‌شود. منافع شخصی و باندی و جریانی مهم‌ترین آسیب را به عقلانیت سیاسی می‌زند. هرچه از منافع فردی پرهیز شود و بر نگرش‌های واقع‌بینانه به شرایط موجود تاکید گردد، تحلیل واقع‌بینانه‌تری از امر سیاسی ارائه می‌شود و به سیاستگذاری و مدیریت کمک می‌شود.

ضرورت پنجم: واقع‌گرایی. جهان و ایران در طول دهه‌های گذشته تغییرات اساسی داشته‌اند. جهان فعلی به اذعان بسیاری از اندیشمندان عرصه بین‌الملل تفاوت‌های اساسی و ماهوی با دنیای دوقطبی و تک‌قطبی دهه‌های پیشین دارد. جهان در حال ورود به عرصه جدیدی از توازن قوا است. جامعه ایران نیز در عرصه مناسبات اجتماعی و فرهنگی تحولات عمده‌ای را پشت سر می‌گذارد؛ تحولاتی که چهره دیگری از ایران را نشان می‌دهد. پیوند واقع‌بینی در مورد جهان و ایران این است که درک صحیحی در مورد آنها به وجود آید و برای امروز و آینده ایران براساس این تغییرات و تحولات سخن گفته شود.

انسجام ملی ضرورت‌هایی دارد. بدون پذیرش تکرر در جامعه ایران و وفاق بر سر مسائل مشترک سلیقه‌های متفاوت داشتن سیاست‌ورزی متناسب با آن انتظار انسجام ملی بهبوده است. در شرایط حساسی که دشمنان میهن در انتظار اختلاف داخلی نشسته‌اند، عقلانیت سیاسی برای دستیابی به مدیریت و سیاستگذاری بهتر ضمن واقع‌گرایی برای درک صحیح از جهان و ایران لازم و ضروری است. ضرورت‌های فوق قابل کاهش یا افزایش هستند یا از منظر دیدگاه‌های متفاوت قابل نقد هستند ولی بی‌تردید می‌توانند زمینه‌های گفت‌وگو در زمینه انسجام ملی را فراهم سازند. راه دستیابی به انسجام ملی آسان و ساده نیست و نیازمند گفت‌وگوهای فراگیر برای توافقی بر سر ضرورت‌های آن است. انسجام ملی به معنای درکنار هم و استوار شدن از راه گفت‌وگو در باب ضرورت‌های آن می‌گذرد.



سیده‌های عظیمی

عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی معلمان ایران

همراهی و حداکثری مردم در برابر متجاوزان در طول جنگ دوازده‌روزه اسرائیل علیه ایران جلوه همبستگی ملی ایرانیان بود. هبستگی و همراهی شگرفی که معادلات دشمنان کهن مرز و بوم ایران را بر هم زد. پس از جنگ نیز مجموع مقامات کشور و جریان‌های سیاسی نیز بر اهمیت انسجام و وحدت ملی تاکید داشته‌اند. هرچند که در مورد معنای این انسجام اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. در فرهنگ‌های لغت، انسجام را، منظم شدن، با هم جور شدن، مستحکم شدن، استوار شدن و استواری معنا کرده‌اند. همین معانی می‌تواند ضرورت‌های انسجام ملی را نیز نشان دهد.

ضرورت اول: پذیرش تکرر. با هم جور شدن و مستحکم شدن و استوار شدن در گام اول به معنای پذیرش تکرر سلیقه‌های متفاوت است که باید در کنار هم قرار گیرند و یکدیگر را بپذیرند و این در کنار هم بودن منجر به استوار شدن و پایداری یک نظم باشد. از این رو انسجام ملی در قدم اول با پذیرش تکرر موجود در میان ملت و تلاش برای وحدت نظر این کثر بر اموری ملی پدید می‌آید و شکل می‌گیرد. این استواری و نظم نیز بدون آشنی بین اجرای مختلف ملت و پرهیز از هرنوع شرحه شرحه کردن و ایجاد اختلاف‌های جعلی به وجود نمی‌آید. بدین ترتیب پذیرش تکرر و تلاش برای آشنی میان سلیقه‌ها و نحله‌های مختلف جامعه مهم‌ترین ضرورت انسجام ملی است. ید و شکل می‌آید

ضرورت دوم: سیاست‌ورزی متناسب. جامعه ایران در شرایط کنونی در وضعیت حساس و پیچیده‌ای قرار دارد و در این شرایط پیچیده نوع سیاست‌ورزی نیز باید متناسب با آن باشد. گذر از منابع باندی و جناحی و وحدت‌نظر بر منافع ملی برای گذر از این پیچ خطرناک تاریخی رسالت مهمی است که بر دوش آگاهان قرار دارد. سیاست‌ورزی در این شرایط بیش از اندیشه دستیابی به قدرت نیازمند تلاش مضاعف برای خروج از بحران است. در شرایطی که دشمنان موجودیت ایران در بیرون مرزها منتظر نشسته‌اند سیاست‌ورزی باید براساس نیاز همین زمان باشد. این نوع سیاست‌ورزی به معنای سخن نگفتن نیست بلکه به این معناست که باید خروج از بحران را به عنوان هدف اصلی سیاست‌ورزی قرارداد. **ضرورت سوم: وفاق بر اساس مسائل مشترک.** یک سال از شروع به کار دولت چهاردهم به ریاست دکتر پزشکیان با شعار دولت وفاق